



# انتخابات آمریکا چگونه برگزار می‌شود؟

پادکست دایجست | قسمت

مهر ۱۳۹۹

فرشاد محمودی

گردآورنده: علی نصراللهی

ویرایش و تنظیم: شادی حسین‌نیا

## مقدمه

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا یکی از مهمترین کارزارهای انتخاباتی در سراسر کره‌ی خاکی محسوب می‌شود؛ انتخاباتی که سرنوشت سگان دار قوی‌ترین کشور جهان را برای ۴ سال آینده مشخص می‌کند. به دلیل جایگاه مهم آمریکا در دنیاست که این انتخابات نه تنها بر زندگی آمریکایی‌ها، بلکه بر زندگی بسیاری از مردم جهان نیز اثر می‌گذارد؛ از افغانستان و عراق و سوریه گرفته تا ایران و اروپا و حتی چین. مثلاً با انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶ زندگی میلیون‌ها نفر در هزاران کیلومتر آن‌سوتر نیز تحت تأثیر قرار گرفت؛ از جمله ما ایرانی‌ها. فارغ از اهمیت این انتخابات، «فرایند انتخابات ریاست جمهوری» در آمریکا نیز بسیار پیچیده‌تر و طولانی‌تر از انتخابات در سایر کشورهای دنیاست. از همان لحظه‌ای که رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب می‌شود، فرایند انتخابات ریاست جمهوری و کمپین‌های مربوط به آن برای دوره‌ی بعدی آن آغاز می‌شود و می‌توان گفت کارزارهای انتخاباتی در آمریکا همیشگی و دائمی‌اند. از آنجایی که ممکن است عده‌ی بسیاری با این ساز و کار پیچیده آشنا نباشند، تصمیم گرفتیم که -طبق روال همیشه- این مسئله‌ی نسبتاً پیچیده را در دایجست ساده کنیم.

## ساختار حاکمیتی آمریکا

پیش از اینکه به فرایندهای انتخاباتی آمریکا بپردازیم، کمی در مورد مدل و سیستم سیاسی آمریکا صحبت می‌کنیم. چرا آمریکا united states of America یا USA (به معنی «ایالات متحده آمریکا») نامیده شده‌است؟ مدل سیاسی آمریکا «فدرال ملی» است. واحدهای سیاسی در آمریکا «ایالت» نام دارند. به عبارت ساده‌تر، آنچه که در تقسیم‌بندی‌های کشور ما «استان» نامیده می‌شود، در آمریکا «ایالت» است. برای آنکه تفاوت استان و ایالت را متوجه شویم، ابتدا با خود «ایالت» آشنا می‌شویم. هر یک از ایالات در حوزه‌ی استحقاقی خود اختیارات وسیعی دارند. تا جایی که هر ایالت قدرت قانون‌گذاری دارد و قوانین خود را در حیطه‌ی مرزهایش اعمال می‌کند. در واقع هر ایالت یک دولت جداست؛ اما در نهایت همه‌ی این ایالات زیرمجموعه‌ی یک واحد سیاسی بزرگتر هستند و کشور را تشکیل می‌دهند به نام «ایالات متحده»ی آمریکا. همان‌طور که گفتیم، نظام سیاسی این کشور «دولت فدرال» است و تصمیم‌گیرندگان آن ریاست‌جمهوری، مجلس نمایندگان، سنا و دیوان عالی فدرال آمریکا هستند. اما تفاوت «ایالت» و «استان» در چیست؟ تفاوت اصلی بین سیستم استانی و ایالتی در میزان خودمختاری آن‌هاست. اساساً ایالات استقلال بیشتری دارد و همان‌طور که گفتیم مانند یک دولت مستقل عمل می‌کند؛ در صورتی که در سیستم استانی معمولاً بیشتر استان‌ها واحدهای مدیریتی کوچکتر دولت مرکزی‌اند و به اندازه‌ی ایالات قدرت قانون‌گذاری ندارند. با چند مثال با اختیارات ایالتی آشنا می‌شویم: مثلاً در قسمت قبل گفتیم که چگونه هر ایالت در مورد ماریجوانا سیاست‌های مختلفی دارد. ماریجوانا در برخی ایالات کاملاً آزاد است و در برخی غیرقانونی. همچنین احتمالاً در فیلم‌های پلیسی هالیوودی دیده‌اید که LAPD (پلیس لس‌آنجلس) پرونده‌ای را تحویل می‌گیرد، اما با اهمیت یافتن و ملی شدن جرم، FBI (پلیس فدرال) مداخله می‌کند و پرونده از حوزه‌ی اختیارات LAPD خارج می‌شود. حتی دو نوع مالیات در آمریکا وجود دارد؛ «مالیات‌های ایالتی» که بسته به هر ایالت و قوانین خاص آن متفاوت است و «مالیات فدرال» که به دولت ملی پرداخت می‌شود. مثال دیگری از اختیارات ایالات را در وضعیت کرونایی اخیر دیدیم: هر ایالتی در بحث قوانین و قرنطینه سیاست‌گذاری خاص خود را داشت. برخی از ایالات استفاده از ماسک را اجباری کرده بودند و برخی نه. برخی قرنطینه بودند و برخی دیگر، نه. اما در سیستم استانی چنین روالی وجود ندارد و معمولاً همه‌ی استان‌ها پیرو قوانین دولت مرکزی‌اند. مثلاً در کشور ما قوانین شیراز، اصفهان، تبریز و... با هم متفاوت نیست.

## انتخابات درون حزبی

آشنایی با ساختار حاکمیتی آمریکا پیش‌نیازی بود برای درک بهتر سیستم انتخابات آمریکا. اکنون می‌توانیم درباره‌ی خود انتخابات صحبت کنیم.

کандید شدن در انتخابات آمریکا تنها سه شرط دارد. هر کس متولد خاک آمریکا بوده، ۱۴ سال متوالی در این کشور زندگی کرده و حداقل ۳۵ سال سن داشته باشد، می‌تواند در انتخابات نامزد شود؛ ولی اگر شخصی بخواهد از طرف یک حزب نامزد شود، باید ابتدا در پرونده‌های درون‌حزبی شرکت کند و در صورت موفقیت در آن پرونده‌ها، به عنوان نامزد آن حزب معرفی می‌شود. البته این احزاب پذیرای هر کسی نیستند و فرد کاندید حتماً باید در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و... شخصیت سرشناسی باشد. به همین دلیل افراد شناخته‌شده‌ی صاحب‌منصب معمولاً خود را به عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری به حزب مورد نظر معرفی می‌کنند؛ مثلاً سناتورها، نمایندگان مجلس نمایندگان، فرمانداران، شهردارها و یا افراد دارای شأن اجتماعی بالا - به خصوص در مسائل اقتصادی - معمولاً اشخاصی که سرشناس نباشند، کاندید نمی‌شوند؛ زیرا احزاب براساس پارامترهایی که جلوتر به آن اشاره می‌کنیم، کاندیداهای خود را انتخاب می‌کنند.

افراد پس از آنکه خود را به عنوان نامزد به حزب معرفی کردند، باید کمپین‌های انتخاباتی برپا می‌کنند. تشکیل کمپین نیازمند پول و هزینه‌های زیادی است که یا خود کاندیدا قادر است آن را تأمین کند، یا حامیان مالی به او کمک می‌کنند. احزاب (هر حزبی، اعم از جمهوری‌خواه، دموکرات و...) فعالیت‌های کاندیداها را زیر نظر می‌گیرند؛ بدین شکل که کنوانسیون ملی حزب پس از بررسی قدرت کمپین هر کاندید و نظرسنجی‌های ملی، تعدادی از آن‌ها را - که به نظر می‌رسد از اقبال عمومی بیشتری برخوردارند - گزینش می‌کند. این افراد باید در انتخابات و مناظرات درون‌حزبی و ایالتی با هم رقابت کنند.

در مرحله‌ی بعد رسانه‌های شاخص آمریکا اقدام به برگزاری مناظره میان نامزدهای هر حزب می‌کنند. شاید در اخبار دیده باشید که ۷-۸ نفر پشت تریبون‌ها ایستاده‌اند و با هم مناظره می‌کنند. اگر انتخابات امسال را دنبال کرده باشید، دیده‌اید «کامالا هریس» در مرحله‌ی انتخابات درون‌حزبی رقیب بایدن بود و اکنون به‌عنوان معاون جو بایدن معرفی شده‌است.

پس از چند مرحله مناظره، نوبت به انتخابات درون‌حزبی و ایالت به ایالت می‌رسد. البته قوانین رأی‌گیری و روز آن در هر ایالت متفاوت است. مثلاً در بعضی از ایالت‌ها هر شخصی که بخواهد می‌تواند در انتخابات درون‌حزبی ریاست‌جمهوری حزب موردعلاقه‌ی خود شرکت کند؛ از جمله ایالت تگزاس که هر فردی می‌تواند در انتخابات درون‌حزبی شرکت کند و به کاندیدای موردنظرش رأی بدهد. این مدل رأی‌گیری اصطلاحاً انتخابات باز (Open Primary) نامیده می‌شود. ولی در برخی ایالات تنها افرادی حق شرکت در انتخابات را دارند که در گذشته در دفتر ایالتی حزب ثبت‌نام کرده و سابقه‌ی فعالیت یا عضویت در حزب را داشته باشند؛ مثل ایالت نیویورک که فقط این گروه از افراد می‌توانند در انتخابات درون‌حزبی شرکت کنند. این مدل تبعاً Close Primary نام دارد.

از طرفی انتخابات درون‌حزبی در برخی ایالت‌ها شبیه انتخابات اصلی ریاست‌جمهوری و به صورت الکترا انجام می‌شود و برخی دیگر آرا را به صورت تجمیعی می‌شمارند. در شمارش تجمیعی هر کس حائز بیشترین تعداد آرا باشد، برنده است. سیستم انتخاباتی الکترا را نیز در ادامه شرح خواهیم داد.

زمان برگزاری انتخابات نیز در هر ایالت متفاوت است و توسط دفتر ایالتی حزب مشخص می‌شود. بر این اساس برخی ایالت‌ها انتخابات را در یک روز و برخی طی چند روز برگزار می‌کنند.

انتخابات درون‌حزبی معمولاً از یک سال قبل از انتخابات سراسری شروع می‌شود. این فرایند تا جایی ادامه می‌یابد که کنوانسیون ملی حزب یکی از کاندیداها را به عنوان کاندیدای اصلی و مورد حمایت حزب معرفی کند. البته این معرفی به معنای حذف اجباری سایر کاندیداها نیست و هر نامزد به اختیار خود می‌تواند به نفع فرد مورد حمایت حزب کنار بکشد یا نامزد باقی بماند. مثلاً در انتخابات سال ۲۰۱۶ کاندیداهای زیادی از دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات شرکت داشتند که بسیاری از آنها پس از انتخابات درون‌حزبی به نفع هیلاری کلینتون دموکرات و ترامپ جمهوری‌خواه کنار رفتند. اما برخی از آنها مثل سنדרز (از حزب دموکرات) و کالین پاول (از حزب جمهوری‌خواه) در انتخابات باقی ماندند و درصد بسیار کمی از آرا را به خود اختصاص دادند.

### رقابت اصلی و حزب سوم

بیش از ۱۵۰ سال است که رقابت اصلی برای رسیدن به کرسی ریاست‌جمهوری در آمریکا بین نامزدهای دو حزب اصلی جمهوری‌خواه و دموکرات است و برای همه مسجل است که رئیس‌جمهور از یکی از این دو حزب می‌آید. پیش‌تر در مورد این دو حزب مفصلاً در قسمت ۱۷ دایجست صحبت کرده‌ایم. اما این که آمریکا دو حزب اصلی دارد به این معنی نیست که احزاب و سایر گروه‌های سیاسی نمی‌توانند کاندیدایی داشته باشند یا کاندیدایی معرفی نمی‌کنند. در آمریکا احزاب سومی هم وجود دارند که در اینجا به صورت خلاصه برخی از آن‌ها را معرفی می‌کنیم تا ببینیم آیا آنها هم می‌توانند روزی به صندلی ریاست‌جمهوری برسند و تأثیرشان در فضای انتخابات چقدر است.

هر چند که پس از پایان جنگ‌های داخلی آمریکا، یعنی از سال ۱۸۶۵ تا به امروز، همواره رئیس‌جمهور از میان دو حزب قدرتمند و بزرگ جمهوری‌خواه و دموکرات تعیین می‌شده است، اما احزاب دیگر نیز می‌توانند در انتخابات ریاست‌جمهوری و همچنین انتخابات‌های کنگره حضور داشته‌باشند. احزابی که نمایندگان آن‌ها شانس برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری نداشته‌اند و در کنگره‌ی آمریکا نیز تعداد بسیار معدودی از نمایندگان این احزاب، حضور یافته‌اند.

با این وجود نباید نقش این احزاب و گروه‌ها را در تعیین مسیر سیاست‌های دو حزب بزرگ آمریکا، دست کم گرفت. هر چند خود این احزاب و گروه‌ها برای موفقیتشان در انتخابات ریاست‌جمهوری شانس قائل نیستند، اما دارای توان بالایی در جهت‌دهی به سیاست‌های دو حزب اصلی آمریکا هستند و گاهی می‌توانند در نتیجه‌ی انتخابات تعیین‌کننده باشند. این قدرت تعیین‌کنندگی در انتخابات سال ۲۰۰۰ به وضوح خود را نشان داد؛ جایی که دموکرات‌ها حضور رالف نیدر (سیاست‌مدار لبنانی‌تبار و نماینده‌ی حزب سبز) را علت شکست خود دانستند و شکسته شدن آراء دموکرات‌ها را به گردن او انداختند.

سال ۲۰۱۶ نیز در کنار هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ، نامزدهای دیگری حضور داشتند. به صورت کلی ۳ حزب بعدی آمریکا که

در اقلیت هستند، به ترتیب Libertarianها (آزادی خواهان)، Greenها (حزب سبز) و Constitution party (حزب قانون اساسی) هستند. حزب قانون اساسی از احزاب بسیار محافظه کار است.

حزب آزادی خواهان یا لیبرترینها: شعار اصلی این حزب در این جمله است «دولت حداقلی، آزادی حد اکثری». در مورد اقتصاد نیز مکتبی به نام «لسه‌فر» دارند. لسه‌فر یعنی نفی هرگونه دخالت دولت در امور اقتصادی و داشتن اقتصاد آزاد براساس نیروهای عرضه و تقاضا. طرفداران لیبرترینیسم به سخن معروف «هرکس برای انجام هرکاری آزاد است، تا جایی که آزادی شخص دیگر را به خطر نیندازد» معتقدند و طبیعتاً دولت و نهادهای دولتی هم اجازه‌ی محدود کردن این سطح وسیع از آزادی را ندارند. حزب لیبرترین بر اساس همین اندیشه‌ها در سال ۱۹۷۱ در ایالت کلرادو، تشکیل شد. ایالتی که در نظام سیاسی آمریکا به عنوان یک ایالت قرمز (یعنی ایالتی که اکثر افراد آن به حزب جمهوری خواه رأی می‌دهند)، شناخته می‌شود.

حزب سبز: «دموکراسی مستقیم» یکی از آرزوهای بزرگ حزب سبز است. طرفداران حزب سبز حامیان پروپا قرص مسائل حقوق بشر، گسترش انرژی سبز، و محیط زیست پاک هستند. مسائل مربوط به محیط زیست، به خصوص استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر، از اصلی‌ترین اولویت‌های حزب سبز است. همچنین کاهش فقر و بهبود سیستم آموزشی از دیگر دغدغه‌های آن‌هاست.

### کمپین‌ها و تأمین هزینه‌ها

به موضوع اصلی برگردیم و بررسی فرایند انتخابات در آمریکا را ادامه دهیم. پس از اینکه احزاب (خصوصاً دو حزب جمهوری خواه و دموکرات) کاندیدای نهایی را معرفی کردند، نامزدها سفرهای ایالت به ایالت خود را شروع کرده و میان طرفدارانشان سخنرانی می‌کنند. همان‌طور که گفتیم این کمپین‌ها هزینه‌های بسیار زیادی دارند که یا خود کاندیدا آن را به دوش می‌کشد، یا از اسپانسرها کمک می‌گیرد. اینجا نقش سوپرپک‌ها در تأمین هزینه‌ی کمپین‌ها و موفقیت کاندیداها مطرح می‌شود.

سوپرپک‌ها افراد و یا سازمان‌های ثروتمندی در آمریکا هستند که در زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا، بنا به تمایلات اقتصادی و سیاسی خود، به حمایت از کاندیداهای جمهوری خواه و یا دموکرات می‌پردازند. شرکت‌های بزرگ اسلحه‌سازی جزو بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سوپرپک‌های انتخاباتی در آمریکا هستند که معمولاً در انتخابات‌ها از کاندیداهای جمهوری خواه حمایت می‌کنند. در انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا نیز سازمان بزرگ و ثروتمند NRA به طور رسمی از دونالد ترامپ حمایت کرد. این سازمان خود را حامی حفاظت از متمدن دوم قانون اساسی آمریکا می‌داند (درباره‌ی حق قانونی برخورداری از سلاح برای شهروندان آمریکایی) و صاحب ده‌ها شرکت اسلحه‌سازی در آمریکا است.

خود ترامپ از سوپرپک‌های رسانه‌ای در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا محسوب می‌شد و در فوریه‌ی سال ۲۰۱۲ از «میت رامنی» حمایت کرد که نامزد حزب جمهوری خواه و رقیب باراک اوباما. ترامپ همچنین از جمله حامیان اولیه رونالد ریگان برای ریاست‌جمهوری آمریکا بوده است.

هزینه‌های این کمپین‌ها بسیار سرسام‌آور است. مثلاً هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۶ در مجموع مبلغی نجومی در حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار خرج کمپین انتخاباتی خود کرد و این هزینه برای ترامپ نزدیک به ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار بود. تحلیل جالبی می‌خواندم که گفته بود ترامپ حدود ۵ میلیارد دلار earned media داشته‌است. این اصطلاح برای مارکترها، اصطلاح آشنایی است. earned media یعنی بدون صرف هزینه، از پوشش‌های رسانه‌ای بهره‌مند شوی. ترامپ با گفتن چیزهای عجیب‌غریب تمرکز خبرگزاری‌ها رو به سمت خود جلب می‌کرد و رسانه‌ها بیشتر به او می‌پرداختند.

یک ماه مانده به برگزاری انتخابات، ۴ مناظره‌ی انتخاباتی بین دو کاندیدا برگزار می‌شود که ۳ مورد آن توسط خود کاندیداها و یکی توسط معاونین اول برگزار می‌شود. احتمالاً در چند روز اخیر دیده‌اید که بایدن و ترامپ -برای تحت تأثیر قرار دادن آمریکایی‌ها- چگونه با هم مناظره کردند و گاهی کار به درگیری لفظی کشیده شد. این مناظرات بسیار تأثیرگذار هستند و بعد از نزدیک ۲ سال رقابت درون‌حزبی و بین‌حزبی، تیر آخر کاندیداها محسوب می‌شوند.

### رأی‌گیری غیابی

با طی شدن تمام این مراحل، به برگزاری انتخابات اصلی می‌رسیم. مطابق قانون اساسی آمریکا، اولین سه‌شنبه‌ی ماه نوامبر روز برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری است. البته تقریباً از یک ماه قبل رأی‌گیری غیابی آغاز می‌شود. این رأی‌گیری از مردمی که دوست ندارند در روز رأی‌گیری پای صندوق رأی حاضر شوند و بیشتر به شکل پستی انجام می‌شود. در این روش فرد متقاضی رأی دادن از فرمانداری یا دفاتر احزاب می‌خواهد که برای او برگ رأی بفرستند. فرد رأی خود را در تعرفه نوشته و به دفتر فرمانداری، شهرداری، حزب یا... پست می‌کند. البته قوانین رأی‌گیری غیابی یا پستی ایالت به ایالت فرق دارد، به همین نمی‌شود با قاطعیت از آن حرف زد.

اداره‌ی فدرال پست آمریکا از دیرباز مسئول ارسال آرای پستی به در منازل افرادی است که توانایی حضور در اماکن برگزاری انتخابات را ندارد یا به دلیلی می‌خواهند رأی خود را به صورت پستی ارسال کنند. این اداره از قدیمی‌ترین ادارات این کشور است. البته همیشه ابهاماتی درباره‌ی سرنوشت آرای پستی، چگونگی شمارش آنها در مراکز انتخاباتی و اینکه چرا این آرا در برخی ایالت‌ها بسیار زودتر از موعد مقرر به منازل فرستاده می‌شوند، وجود داشت. اکنون، در سال ۲۰۲۰، با شیوع گسترده‌ی بیماری کرونا در آمریکا، افرادی که تمایل دارند برای شرکت در انتخابات از آرای پستی استفاده کنند، بسیار بیشتر شده‌است. تا کنون بیش از ۴ میلیون نفر از مردم آمریکا آرای پستی خود را دریافت کرده‌اند که این آمار عجیب در مقایسه با زمان مشابه پیش از انتخابات قبلی، ۵۰ برابر شده‌است.

ترامپ معتقد است در سال‌های قبل آرای پستی به درستی به مراکز انتخاباتی منتقل نمی‌شده و بسیاری از این رأی‌ها بعد از اعلام نتیجه

انتخابات دور ریخته می‌شدند! پس حالا که قرار است، به بهانه‌ی کرونا، میزان آرای پستی در انتخابات ۲۰۲۰ به شدت افزایش داشته باشد، احتمال یک تقلب گسترده از طرف نهادهای برگزارکننده در انتخابات وجود خواهد داشت.

این موضوع نیز مطرح شده است که ممکن است ارسال این آرا و بازگرداندن آن به دفاتر برگزاری انتخابات چند روز طول بکشد. به‌طور مرسوم نتیجه‌ی قطعی تا یک روز پس از برگزاری انتخابات مشخص می‌شود. اما در انتخابات ۲۰۲۰ که تعداد آرای غیابی به خاطر کرونا به شدت افزایش یافته است، پیش‌بینی می‌شود که ارسال و شمارش آرای پستی تا مدت نامعلومی بعد از انتخابات به طول بینجامد.

## الکترا کالج

شیوه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا یک انتخاب دو مرحله‌ای و غیرمستقیم است که با نام الکترا کالج شناخته می‌شود. در این سیستم هم مردم (به عنوان رأی‌دهندگان) در انتخاب رئیس‌جمهور نقش دارند و هم مجمعی از نمایندگان انتخاباتی که به الکترا کالج معروفند. اما رأی مردم به شکل غیرمستقیم اثرگذار است و رأی نمایندگان انتخاباتی مستقیم رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کند. یعنی مردم رأی می‌دهند که آن نمایندگان انتخاب شوند و آن نمایندگان نیز رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند. این روش مانند انتخابات ایران نیست که مردم مستقیم رئیس‌جمهور را انتخاب کنند. به عبارت دیگر، الکترا کالج مجمع و مجلسی است که رئیس‌جمهور و معاون اول آن را انتخاب می‌کند. در واقع نمایندگان الکترا کالج معمولاً از طرف هر حزب در ایالت‌های آمریکا کاندید می‌شوند؛ ولی شیوه‌ی انتخاب آنان این‌گونه نیست که مردم نام نماینده‌ی الکترا کالج ایالت خود را در برگ رأی بنویسند. هر کاندیدی ریاست‌جمهوری (هر حزبی)، الکترا کالج خود را دارد. در روز انتخابات مردم مثلاً به ترامپ جمهوری‌خواه رأی می‌دهند و اسم او را در برگه‌ی رأی می‌نویسند. حال این کاندید (یعنی ترامپ) و این حزب (یعنی جمهوری‌خواه)، در هر ایالت کاندیدهای الکترا کالج خود را دارد؛ پس وقتی کسی در برگه‌ی رأی نام ترامپ را می‌نویسد، یعنی به کاندیدهای نمایندگان الکترا کالج حزب جمهوری‌خواه در ایالت خود رأی داده‌است. به بیان ساده‌تر، کاندید شدن افراد در الکترا کالج به این معنی نیست که رأی‌دهندگان مستقیماً به آن‌ها رأی می‌دهند؛ بلکه تنها نام گزینه‌ی ریاست‌جمهوری خود را می‌نویسید. حال اگر این گزینه‌ی دموکرات بود، یعنی به الکترا کالج‌های دموکرات در ایالت خود رأی داده‌اند و اگر جمهوری‌خواه بود، برعکس. پس رأی‌دهندگان در روز انتخابات با یک رأی به ۳ آیتم رأی می‌دهند: ۱- خود رئیس‌جمهور، ۲- معاون رئیس‌جمهور، ۳- نمایندگان الکترا کالج.

تعداد نمایندگان الکترا کالج در هر ایالت متفاوت است. بر اساس قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، تعداد اعضای هیئت‌های انتخاباتی هر ایالت با تعداد نمایندگان همان ایالت در کنگره برابر است. کنگره‌ی آمریکا دو مجلس دارد: مجلس نمایندگان (که در آن اعضای انتخابی به نسبت جمعیت هر ایالت وارد مجلس نمایندگان می‌شوند) و مجلس سنا (که برای هر ایالت دو عضو انتخابی در نظر گرفته شده است و همواره به‌طور ثابت و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جمعیتی هر ایالت، دارای ۱۰۰ سناتور است). به زبان ساده‌تر:

تعداد آرای الکترا کالج در هر ایالت = تعداد نمایندگان ایالت در مجلس نمایندگان + ۲ سناتور ایالت در مجلس سنا

پس طبیعتاً هر چه ایالتی پر جمعیت‌تر باشد، تعداد اعضای هیئت‌های انتخاباتی آن نیز بیشتر خواهد بود. مثلاً ممکن است یک ایالت ۳ رأی الکترا کالج داشته باشد و یک ایالت ۵۰ رأی الکترا کالج. بین ایالت‌های آمریکا، کالیفرنیا با ۵۵ عضو بیشترین تعداد رأی الکترا کالج را دارد و پس از آن تگزاس با ۳۸ رأی در رتبه‌ی بعدی است. یعنی کالیفرنیا ۵۳ نماینده در مجلس نمایندگان و ۲ سناتور. ۷ ایالت هم در مجلس نمایندگان تنها یک نماینده دارند (مثل آلاسکا). گفتیم که هر ایالت ۲ تا سناتور دارد، پس آلاسکا دارای ۳ رأی الکترا کالج است. واشنگتن دی. سی. نیز با این‌که یک ایالت مجزا نیست، اما در انتخابات ۳ رأی الکترا کالج دارد. در جمع کلی کنگره‌ی آمریکا ۵۳۵ نماینده دارد (۱۰۰ سناتور + ۴۳۵ نماینده‌ی مجلس نمایندگان). پس تا این‌جا ۵۳۵ رأی الکترا کالج داریم که با افزودن ۳ رأی واشنگتن دی. سی. ۵۳۸ رأی الکترا کالج خواهیم داشت. کسانی که نماینده‌ی الکترا کالج می‌شوند، همون نمایندگان کنگره نیستند؛ بلکه تنها در تعداد با آن‌ها برابرند. این نمایندگان معمولاً جزء سیاستمداران درجه ۲ احزاب هستند که برای نامزد شدن در انتخابات‌های آینده‌ی مجلس نمایندگان، فرمانداری و حتی شهرداری‌ها برنامه دارند.

در انتخابات ریاست‌جمهوری، هر کاندیدی که بیشترین تعداد آرای الکترا کالج را داشته باشد، رئیس‌جمهور می‌شود. یعنی کسی که حداقل ۲۷۰ رأی الکترا کالج یا بیشتر را در اختیار داشته باشد، برنده‌ی رقابت خواهد بود. فرض کنید ۶۰ درصد از مردم کالیفرنیا به دموکرات‌ها رأی بدهند و الکترا کالج‌های دموکرات‌ها پیروز شوند. در این صورت تمامی رأی‌های الکترا کالج کالیفرنیا (یعنی همه‌ی ۵۵ رأی) به دموکرات‌ها می‌رسد. در سیستمی که ما در ایران داریم، ۴۰ درصدی که به دموکرات‌ها رأی نداده‌اند را نادیده نمی‌گیریم؛ بلکه آن را با آرای سایر مناطق جمعش می‌کنیم. اما در سیستم آمریکا وقتی حزبی در یک ایالت برنده می‌شود، تمام رأی‌های الکترا کالج آن ایالت رو تصاحب می‌کند. این ماجرا ممکن است به پیامدهای جالبی داشته باشد. پس از این‌که رأی‌های مردمی اخذ شد، نمایندگان الکترا کالج نیز باید رأی خود را به یکی از کاندیداها بدهند. در این‌جا ممکن است اکثریت مردم یک ایالت (مثلاً) به نامزد دموکرات‌ها رأی داده باشند، ولی الکترا کالج ایالت به نامزد جمهوری‌خواه‌ها رأی بدهد. این اکثرال‌ها «عهدشکنان» نامیده می‌شود و چنین اتفاقی در تاریخ آمریکا روی داده‌است. حتی برخی ایالت‌ها برای محکوم کردن الکترا کالج‌های عهدشکن قوانینی دارند. البته ایالت‌های دیگری نیز هستند که به استقلال انتخابی الکترا کالج اعتقاد دارند.

البته این عهدشکنی‌ها استثنا هستند و معمولاً نامزدی که در یک ایالت بیشترین رأی مردمی را اخذ کرده باشد، از سوی هیئت انتخاباتی (الکترا کالج) ایالت نیز انتخاب می‌شود؛ زیرا همان‌طور که گفتیم - الکترا کالج‌ها از اعضای احزاب درون‌ایالتی هستند و قصد دارند در انتخابات آینده نیز عضو هیئت انتخاباتی باشند یا برای فعالیت‌های سیاسی مهم‌تری برنامه دارند. پس به راحتی به حزب خود پشت نمی‌کنند و به کاندید حزب مقابل رأی نخواهند داد.

## چرا سیستم الکترا کالج در آمریکا اجرا می‌شود؟

در واقع دلیل به وجود آمدن آرای الکترا کالج در آمریکا این بود که مؤسسين این کشور - در اوایل تأسیس آن - نمی‌خواستند که تنها

ایالت‌های بزرگ در انتخاب رئیس‌جمهور تعیین‌کننده باشند؛ چرا که این موضوع باعث می‌شد نامزدها تنها به ایالتی که جمعیت بیشتری دارند سفر کرده و در آنجا با مردم مشارکت کنند. به همین جهت بود که بنیانگذاران کشور آمریکا و نویسندگان قانون اساسی این کشور می‌کوشیدند تا این مسئله را از میان ببرند و کاری کنند که همه‌ی ایالت‌های آمریکا بتوانند نظر خود را ابراز کنند.

اگر این موضوع تا حدودی برای شما گنگ و نامفهوم است، حق دارید؛ چون به‌طور کلی سیستم انتخابات آمریکا گیج‌کننده است. اما می‌توانیم موضوع را این‌گونه ساده کنیم که الکترا باعث می‌شود رأی ایالت‌های پرجمعیت و تأثیرگذاری آن‌ها کمی کمتر شود و در عوض ایالت‌های کوچک و کم‌جمعیت‌تر، به نسبت جمعیت خود، نقش پررنگ‌تری پیدا کنند.

برای این که تأثیر آرای الکترا را بیشتر درک کنیم، نگاهی می‌اندازیم به انتخابات سال ۲۰۱۶. در این سال حدود ۲۵۰٫۶ میلیون نفر واجد شرایط رأی‌گیری بودند که حدود ۱۳۶٫۶ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند. مطابق آمار رسمی، هیلاری کلینتون آرای مردمی از دونالد ترامپ پیش بود. حدود ۶۵٫۸ میلیون نفر به کلینتون و ۶۲٫۹ میلیون نفر به ترامپ رأی دادند که رأی ترامپ حدود ۳ میلیون نفر از هیلاری کلینتون کمتر بود. کلینتون ۴۸٫۱۸ درصد آرای مردمی را داشت و ترامپ ۴۶٫۰۹ درصد. کمتر از ۶ درصد شرکت‌کنندگان نیز به نماینده‌های دیگر حزب‌ها رأی داده بودند.

اما کسب اکثریت آرای مردمی برای هیلاری کلینتون، منجر به پیروزی نهایی در انتخابات و راهیابی وی به کاخ سفید نشد؛ زیرا هیلاری در مجموع آرای الکترا از ترامپ شکست خورد و نهایتاً این ترامپ بود که به عنوان پیروز رقابت‌های انتخاباتی شناخته شد. ترامپ از مجموع ۵۳۸ رأی الکترا، برنده ۳۰۴ رأی شده بود و توانست بر هیلاری کلینتون که تنها ۲۲۷ رأی الکترا داشت، غلبه کند. در واقع ترامپ مجموع آرای اکثریت را باخت اما الکترا را برد و رئیس‌جمهور شد.

به این رئیس‌جمهورها که آرای عمومی کمتری نسبت به سایرین کسب کردند، «رئیس‌جمهور اقلیت» می‌گویند. تا کنون ۵ نفر در تاریخ آمریکا توانسته‌اند که با رأی عمومی کمتر، اما الکترا بیشتر، رئیس‌جمهور شوند. اولین مورد این اتفاق در سال ۱۸۲۴ روی داد که اندرو جکسون، علی‌رغم پیروزی در آرای مردمی، نتوانست رئیس‌جمهور شود و آدامز به این مقام رسید.

در سال ۲۰۰۰ نیز جرج دابلیو بوش (بوش پسر)، نامزد حزب جمهوری‌خواه، در مقابل آل‌گور، نامزد حزب دموکرات، قرار گرفته بود. در این انتخابات آل‌گور، ۴۸٫۳۸ درصد از کل آراء و جرج بوش، ۴۷٫۸۷ درصد آراء را به دست آوردند. اما در نهایت با ۲۷۱ رأی الکترا، در مقابل ۲۶۶ رأی، جرج بوش به عنوان چهل و سومین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا معرفی شد.

در انتخابات ۲۰۱۶ نیز دلیل اصلی پیروزی ترامپ در کسب آرای الکترا، پیروزی‌های چشمگیر او در ایالت‌های شناور و همچنین ۳ ایالت از ایالت‌های دیوار آبی بود. در ادامه در مورد جناح‌بندی ایالت‌ها و اصطلاحاتی مثل دیوار آبی و قرمز صحبت می‌کنیم.

## پایگاه رأی احزاب

در تاریخ سیاسی آمریکا به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، برخی ایالت‌ها اغلب به نماینده‌ی حزب دموکرات و برخی دیگر اغلب به نماینده‌ی حزب جمهوری‌خواه تمایل داشته‌اند. در فضای سیاسی آمریکا به ایالت‌هایی که از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۱۲ در انتخابات ریاست‌جمهوری به نماینده‌ی حزب دموکرات رأی داده‌اند، دیوار آبی می‌گویند. دیوار آبی شامل ایالت‌های مهمی مثل کالیفرنیا، نیویورک نیوجرسی، واشنگتن است. همچنین به ایالت‌هایی که از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶ در انتخابات ریاست‌جمهوری به نماینده‌ی حزب جمهوری‌خواه رأی داده‌اند، دیوار قرمز می‌گویند؛ ایالاتی مثل تگزاس، آلاباما، اوکلاهما از این جمله‌اند.

باقی ایالت‌ها در آمریکا به عنوان ایالت‌های شناور شناخته می‌شوند که در هر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، پیش‌بینی اینکه به کدام حزب رأی می‌دهند، کار مشکلی است. این ایالت‌ها به «ایالت‌های محل رقابت» نیز معروفند؛ زیرا رأی آنها مشخص نیست و به همین دلیل کاندیداها نهایت تلاش خود را می‌کنند تا رأی این ایالت را جذب کنند. رأی این ایالت بسیار تأثیرگذار است. مثلاً فلوریدا ۲۹ رأی الکترا دارد و جزء ایالت‌های شناور است. گرفتن رأی فلوریدا یعنی طی کردن بخش زیادی از مسیر پیروزی. چراکه رأی ایالت‌های دیوار قرمز و آبی تقریباً مشخص است و این ایالت‌ها شناورند که تعیین‌کننده خواهند بود. اگر آمریکا را یک مستطیل در نظر بگیریم، به‌طور سنتی کناره‌های این مستطیل پایگاه حزب دموکرات است؛ اما مرکز این مستطیل به سمت بالا و پایین پایگاه سنتی جمهوری‌خواهان است. یعنی ساحل شرقی و غربی (east coast و west coast) به دموکرات‌ها رأی می‌دهند و Middle نیز به جمهوری‌خواهان.

در انتخابات ترامپ و کلینتون، ترامپ رأی ایالت‌های شناور بزرگی را کسب کرد (مثل فلوریدا و آهایو) و پیروزی چشمگیری در سه ایالت میشیگان، پنسیلوانیا و ویسکانسین داشت که تا قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶، جزء ایالت‌های دیوار آبی محسوب می‌شدند. علاوه بر این‌ها، آرای الکترا ایالت‌های دیوار قرمز نیز به‌طور سنتی متعلق به نماینده‌ی حزب جمهوری‌خواه است و آنان این بار نیز به سنت خود پایبند بودند. مجموع این آراء منجر به پیروزی تعجب‌برانگیز دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ شد.

طبق آمارها ایالت‌های طرفدار جمهوری‌خواهان معمولاً سنتی‌تر هستند، به خانواده و مذهب اهمیت بیشتری می‌دهند، بیشتر با پذیرش مهاجرین مخالفند و طرفدار آزادی استفاده از سلاح هستند. ساکنین ایالت‌های دیوار قرمز (یعنی هواداران جمهوری‌خواهان) بیشتر از سفیدپوستان و آمریکایی‌های اروپایی‌تبار هستند. در طرف مقابل پایگاه اصلی رأی دموکرات‌ها بیشتر ایالت‌هایی هستند که مهاجرپذیرترند و اعتقاد کمتری به مسائل مذهبی و دینی دارند.

پس به‌طور خلاصه، از لحاظ نژادی سفیدها بیشتر به جمهوری‌خواهان و رنگین‌پوستان به دموکرات‌ها تمایل دارند. از لحاظ مذهبی نیز افرادی که تمایلات مذهبی‌تری دارند طرفدار جمهوری‌خواهان هستند؛ اما کسانی که مذهب را سدی در برابر آزادی‌های فردی (مثل همجنسگرایی، سقط جنین و...) می‌بینند، به دموکرات‌ها گرایش دارند. به همین دلیل است که مسیحیان بیشتر هوادار جمهوری‌خواهان هستند. اصطلاحی تحت عنوان «Pro life بودن» وجود دارد که به رویکرد احزاب مختلف در مورد سقط جنین اشاره دارد. جمهوری‌خواهان

معمولاً Pro Life هستند؛ یعنی با آزادی سقط جنین مخالفند. در صورتی که دموکرات‌ها بیشتر به آزادی‌های شخصی معتقدند و مادر را صاحب حق تصمیم‌گیری می‌دانند.

جالب این‌جاست که تا چند دهه پیش بسیاری از عقاید این دو حزب برعکس بوده و به تدریج جای خود را با هم عوض می‌کنند. ماجرای کامل جمهوری خواهان و دموکرات‌ها را در قسمت هفدهم دایجست شرح دادیم. اما برای آن‌که اشاره‌ی کوتاهی کرده باشم، به یادآوری این موضوع اکتفا می‌کنم که همین جمهوری خواهان با دموکرات‌ها (جنوبی‌ها) بر سر ممنوع کردن برده‌داری و آزاد کردن برده‌ها وارد جنگ شدند. یعنی دموکرات‌هایی که امروزه از مهاجران استقبال می‌کنند و از حمایت اغلب سیاه‌پوستان برخوردارند، روزگاری کسانی بودند که از سیاهان به عنوان برده در مزارع خود استفاده می‌کردند. یک بار دیگر فیلم «بر باد رفته» را با این دیدگاه ببینید؛ جالب خواهد بود.

### اگر نتیجه‌ی آرای اکثرال مساوی شد، چه می‌شود؟

۵۳۸ یک عدد زوج است و ممکن است هر دو کاندید در عدد ۲۶۹ به تساوی برسند. در این صورت مجلس نمایندگان، رئیس‌جمهور و مجلس سنا، معاون رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کند. دلیل اهمیت معاون رئیس‌جمهور آن است که در صورت وقوع حادثه‌ای برای رئیس‌جمهور، اولین کسی که پس از او سکان رهبری کشور را به دست می‌گیرد و رئیس‌جمهور موقت می‌شود، معاون اوست.

### سیستم‌های انتخاباتی مختلف در جهان

در پایان پادکست بد نیست کمی نیز در مورد سیستم‌های مختلف انتخاباتی در دنیا صحبت کنیم. سیستم انتخاباتی پایه و اساس دموکراسی‌ست؛ زیرا انتخابات همان راهی‌ست که از طریق آن دموکراسی در یک کشور اجرا می‌شود. پس اینکه انتخابات با چه سیستمی برگزار شود، بر ضعف و قوت دموکراسی آن کشور مؤثر است. اما فارغ از این، دانستن روش‌های مختلف انتخابات در زندگی روزمره نیز خالی از لطف نیست؛ چراکه ممکن است در شرکت، مجتمع مسکونی یا هر جای دیگری به برگزاری انتخابات نیاز داشته باشید. دانستن روش‌های مختلف انتخاباتی می‌تواند در داشتن ایده‌های دیگر به شما کمک کند.

سیستم‌های انتخاباتی در نظام‌های دموکراتیک سه دسته‌اند: ۱- نمایندگی اکثریت، ۲- نمایندگی تناسبی و ۳- ترکیب از این دو. در اینجا به صورت اجمالی به این دسته‌ها می‌پردازیم تا در حد کلیات با هر یک آشنا شوید. در کتاب‌های رشته‌های علوم سیاسی و آمار به تفصیل در مورد هر یک توضیح داده شده‌است.

۱- نمایندگی اکثریت: این دسته خود به سه مدل اصلی تقسیم می‌شود: plurality (کثرت آرا)، majority (اکثریت آرا یا سیستم)، مدل جایگزینی (آلترناتیو)

روش اول سیستم کثرت آراء (Plurality) بسیار ساده‌است. گاهی به این روش First Past the Post نیز گفته می‌شود. در این روش هر کس که بیشتر از بقیه رأی بیاورد، برنده است. در این روش تنها ۱ رأی اختلاف برای برنده شدن، کافی‌ست. اما در سیستم‌های اکثریتی (Majority systems) نه تنها رأی شما باید از بقیه بیشتر باشد، بلکه باید اکثریت کل آرا را نیز کسب کرده‌باشید؛ یعنی بیشتر از ۵۰ درصد کل آرا. برای درک بهتر تفاوت سیستم کثرت و اکثریت، یک مثال می‌زنیم. فرض کنید ۴ نفر کاندیدا داریم: نفر اول ۴۰٪، بعدی ۳۰٪، بعدی ۲۰٪ و نفر آخر نیز ۱۰٪ آرا را به دست می‌آورند. در سیستم کثرت آرا (Plurality) کسی برنده است که ۴۰٪ رأی دارد. ولی در سیستم اکثریتی (majority) تا اینجا کار هیچ‌یک برنده نیستند؛ چون سیستم می‌گوید که برنده باید رأی اکثریت رو نیز داشته باشد. در اینجا روش‌های مختلفی برای تعیین برنده‌ی انتخابات به وجود می‌آید. مثلاً ممکن است انتخابات دو مرحله‌ای شود که نمونه اش را در ایران دیده‌ایم؛ نفر اول و دوم در دور بعد با هم رقابت می‌کنند.

البته در برخی کشورها سیستم‌های آلترناتیو وجود دارد. مثلاً استرالیا - که یکی از بزرگترین نمونه‌های دموکراسی‌ست - از این روش استفاده می‌کند. در استرالیا شما نمی‌توانید تنها به یک نفر رأی بدهید. مثلاً اگر ۵ کاندید وجود داشته باشد، باید ترجیحی به همه‌ی آن‌ها رأی بدهید. یعنی در این رأی‌دهی، اولویت‌بندی کاندیدها در رأی شما، اهمیت دارد. شبیه انتخاب‌رشته‌ی کنکور که مشخص می‌کنید انتخاب اولتان گزینه‌ی الف است، انتخاب دوم گزینه‌ی جیم و... در این سیستم ابتدا بررسی می‌کنند که کسی که بیشترین رأی را آورده، اکثریت آرا (یعنی بیشتر از ۵۰٪) را نیز کسب کرده است یا خیر. اگر کسی به ۵۰٪ نرسیده باشد، کاندیدی دارای کمترین رأی را حذف می‌کنند، ولی رأی‌هایش را بین سایر کاندیدها تقسیم می‌کنند. روش این تقسیم این‌گونه است: احتمالاً کاندید حذف‌شده در برگه‌های رأی بعضی از مردم، اولویت دوم بوده‌است. با حذف این فرد، آرای او را به کسی می‌دهند که در آن تعرفه‌ها اول بوده‌است. پس از آن دوباره آرا شمارش می‌شوند تا ببینند کسی از ۵۰٪ عبور کرده یا نه. اگر هنوز کسی به این میزان رأی نرسیده بود، آن‌قدر این کار را ادامه می‌دهند و نفرات آخر را حذف می‌کنند تا سرانجام یک نفر به اکثریت آرا برسد. در این سیستم حتی ممکن است کسی که در شمارش اولیه پیش‌تاز بوده، به پیروزی نرسد و شخص دیگری نفر اول شود.

اما نکته‌ی اصلی این است که در تمام سیستم‌های نمایندگی اکثریت (در هر کدام از اشکال‌ش)، تنها یک شخص یا حزب برنده وجود دارد و نتیجه صفر و یک است. یکی می‌برد و یکی می‌بازد و طرف برنده نماینده‌ی تمام مردم می‌شود، حتی کسانی که رأی مخالف داشته‌اند. ممکن است مخالفین ۴۹٪ جامعه باشند. به همین دلیل برخی می‌گویند که این سیستم چندان عادلانه نیست و سیستم‌های تناسبی رو جایگزین آن کردند.

۲- نمایندگی تناسبی: در سیستم تناسبی، برنده به تناسب آراء مشخص می‌شود. بدین ترتیب برنده و بازنده شدن مطلق و صفر و یک نیست. انتخابات در آلمان با این سیستم انجام می‌شود. مردم آلمان در انتخابات پارلمان خود (بوندستاگ) هم باید به یک شخص رأی بدهند و هم به یک حزب. فرض کنید حزب الف ۴۰٪، حزب ب ۳۰٪، حزب جیم ۲۰٪ و حزب دال نیز ۱۰٪ آرا را کسب کرده‌است. در اینجا کرسی‌های

پارلمان به همین نسبت بین این ۴ حزب تقسیم می‌شود. یعنی حتی حزبی که فقط ۱۰٪ رأی داشته، کاملاً کنار گذاشته نمی‌شود و ۱۰٪ کرسی‌ها رو دارد. پس از این، پارلمان باید (مثلاً) رئیس دولت یا قوه مجریه را انتخاب کند. در همین مثال آلمان، پارلمان شخص صدر اعظم را انتخاب می‌کند و رئیس‌جمهور بیشتر یک مقام تشریفاتی است. یک حزب برای آنکه بتواند یکی از اعضای خود را صدراعظم کند، باید اکثریت کرسی‌های پارلمان را در اختیار داشته باشد که معمولاً این اتفاق به ندرت ممکن می‌شود؛ زیرا در این کشور حدود ۱۵ حزب وجود دارد و داشتن رأی اکثریت مشکل است. اینجا جایی‌ت که احزاب با هم ائتلاف می‌کنند تا بتوانند رئیس دولت را انتخاب کنند. در حقیقت با تاکتیک ائتلاف، یکی از احزاب به اکثریت بالای ۵۰٪ درصد می‌رسد و این قدرت را به دست می‌آورد که رئیس دولت را انتخاب کند. کشورای ترکیه و هلند و اسرائیل نیز از این سیستم استفاده می‌کنند. البته این روش نیز زیرشاخه‌های متفاوتی دارد که ما وارد جزئیات آن نمی‌شویم و شما را تشویق می‌کنیم که اگر به روش‌های مختلف انتخابات و رأی‌گیری علاقه‌مندید، بخشی از مطالعه‌ی شخصی خود را به این زمینه اختصاص دهید.

#### منابع:

- 136'669'237 votes cast ("Official 2016 Presidential General Election Results" (PDF). Federal Election Commission. January 30, 2017. Retrieved March 13, 2017.)
- Barbaro, Micharl (November 8, 2012). "After Obama, Christie Wants a G.O.P. Hug". The New York Times
- Coşa, Robert (June 30, 2016). "Gingrich, Christie are the leading candidates to be Trump's running mate". The Washington Post
- Grossman, Ron (November 11, 2016). "Flashback: It's happened before: Truman's defeat of Dewey had hints of Trump-Clinton". www.chicagotribune.com
- Stone, Roger (February 15, 2017). "Trump Stole a Page From "Give 'Em Hell" Harry". www.realclearpolitics.com.
- Chozick, Amy (March 4, 2016). "Clinton Offers Economic Plan Focused on Jobs". The New York Times
- 2016 Presidential Race". OpenSecrets.org. Center for Responsive Politics
- Wasserman, David (September 15, 2016). "How Trump Could Win The White House While Losing The Popular Vote". FiveThirtyEight.
- "Frank Luntz: Ban exit polls". Politico
- <http://elections.cdn.sos.ca.gov/sov/2016-general/sov/06-sov-summary.pdf>
- <https://www.nytimes.com/article/electoral-college-explained.html>
- <https://www.washingtonpost.com/news/wonk/wp/2017/04/14/somebody-just-put-a-price-tag-on-the-2016-election-its-a-doozy/>
- <https://www.nbcnews.com/politics/2016-election>
- <https://www.youtube.com/watch?v=HaE6MigXYdY>
- <https://www.theatlantic.com/liveblogs/2016/10/hillary-clinton-donald-trump-election-2016/505133/>
- <https://medium.com/@davezareii/%D8%B3%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D9%85-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA%DB%8C-63fcb4b8a33a>
- <https://www.thetimes.co.uk/article/zionists-and-evangelists-praise-white-house-after-trump-announcement-on-jerusalem-t8b7fgss3>
- [https://en.wikipedia.org/wiki/United\\_States\\_presidential\\_election](https://en.wikipedia.org/wiki/United_States_presidential_election)
- [https://en.wikipedia.org/wiki/United\\_States\\_Electoral\\_College](https://en.wikipedia.org/wiki/United_States_Electoral_College)